

## اعلام نتیجه مسابقه ترجمه

به منظور تقویت ذوق و توان دانشجویان و علاقه‌مندان ترجمه، در شماره ششم مترجم متنی را به مسابقه گذاشتیم و از شرکت‌کنندگان درخواست کردیم متن را به زبانی روان و با حداقل کلمه ترجمه کنند و قول دادیم که سه ترجمه برگزیده را در مترجم بچاپ برسانیم. استقبال خوانندگان از این مسابقه بسیار خوب و دور از انتظار ما بود. کلیه پاسخهایی که تا مهلت تعیین شده یعنی دهم آذرماه بدست ما رسید در مسابقه شرکت داده شد.

عموم شرکت‌کنندگان دانشجویان گرایش‌های مختلف رشته زبان انگلیسی از دانشگاه‌های آزاد یا دولتی سراسر کشور بودند. متن مسابقه دارای دشواریهای خاصی بود و در ترجمه‌های ارسالی همه نوع اشکال قابل پیش‌بینی یا غیر قابل پیش‌بینی دیده می‌شد. در ترجمه تقریباً تمامی شرکت‌کنندگان، به نسبت کم و بیش، مواردی از تفسیر و درک غلط متن وجود داشت و از آنجا که هیچ ترجمه درستی بدست ما نرسیده بود انتخاب سه متن برتر از میان متونی که کم و بیش شبیه یکدیگر بود کاری بود بس دشوار. از آن گذشته، تا آنجا که به نگارش فارسی مربوط می‌شد، ارتباط منطقی میان جملات عموماً ضعیف بود. عموم شرکت‌کنندگان، علیرغم دستورالعمل مسابقه، نتوانسته بودند زبان ترجمه را از تأثیر زبان متن بدور نگه دارند و خود را در چهارچوب الفاظ متن محدود کرده بودند. برخی دیگر، برعکس، برای روان‌تر کردن زبان متن، بیش از اندازه به خود آزادی داده بودند و با تصرف در اندیشه نویسنده به درازگویی و پرگویی دچار شده بودند.

پاسخهای رسیده را با عدالت و وسواس تمام بررسی کردیم.<sup>۱</sup> در مرحله اول ۲۵ پاسخ و در مرحله دوم هشت پاسخ و در مرحله سوم سه پاسخ برتر را از میان پاسخها برگزیدیم که در ادامه از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد. در اینجا ذکر چند نکته ضروری است:

اولاً لازم می‌دانیم از کلیه شرکت‌کنندگان عزیز این مسابقه تشکر کنیم. امیدواریم این مسابقه، آنطور که نیت ما بود از جهت آموزشی مفید بوده باشد و سرآغازی باشد برای مسابقه‌های بعدی. نیز با توجه به اینکه پاسخهای رسیده را بدور از هر نوع پیشداوری و با دو معیار «درست بودن» (معیار اول) و «روان بودن» (معیار دوم) بررسی کردیم امیدواریم عادلانه داوری کرده باشیم. ثانیاً در ترجمه‌هایی که به عنوان ترجمه‌های برتر در اینجا چاپ می‌کنیم اصلاحات بسیار جزئی انجام داده‌ایم، با این حال این ترجمه‌ها هنوز خالی از غلط نیستند.

۱- در بررسی پاسخها خانم روحانی و آقای عیدمحمّدی به ما کمک کردند که از لطف آنها تشکر می‌کنیم.

## ترجمه پیشنهادی:

در روابط اجتماعی افراد جامعه متمدن وقت شناسی عادت است که کسب آن لازم است. بدون وقت شناسی هیچ چیز به سرانجام نمی‌رسد و همه چیز دچار آشفتگی می‌شود. بی‌توجهی به آن تنها در اجتماعی روستایی با جمعیت پراکنده امکان‌پذیر است. در زندگی روزمره می‌توان وقت‌ناشناسی را تا حدی تحمل کرد. اندیشمندی که روی مسأله پیچیده‌ای کار می‌کند برای انجام کاری که در دست دارد همه امور زندگیش را هماهنگ می‌کند و نظم می‌دهد، پس اگر دیرتر از موعد مقرر به میهمانی شام برسد بر او خُرده نمی‌گیرند. اما مردم اغلب زمانی بخاطر وقت‌ناشناسی مورد سرزنش قرار می‌گیرند که تنها گناهشان این است که نمی‌خواهند حتی یک لحظه از وقت را از دست بدهند. آدمهای پرتوش و توان و تیزهوش از تلف کردن وقت اکراه دارند و به همین سبب اغلب وسوسه می‌شوند پیش از آن که بر سر قرار حاضر شوند کاری را به انجام برسانند. اگر در طول راه حادثه‌ای چون پنجر شدن اتومبیل، تغییر مسیر به سبب راه‌بندان یا مه گرفتگی ناگهانی پیش نیاید، سر وقت می‌رسند. این گونه افراد معمولاً سختکوشتر و کارآمدتر از کسانی هستند که هرگز دیر نمی‌کنند. آدم بیش از حد وقت شناس هم به اندازه آدم وقت‌شناس مایه دردسر دیگران است. میهمانی که نیم ساعت زودتر از موعد سر می‌رسد اسباب گرفتاری است. بعضی از دوستان خانوادگی من گرفتار همین عادت آزار دهنده‌اند. تنها کاری که از ما برمی‌آید این بود که از آنها بخواهیم نیم ساعت دیرتر از دیگران به میهمانی بیایند. بدین ترتیب آنان درست در ساعتی که ما می‌خواستیم می‌رسیدند.

Punctuality is a necessary habit in all public affairs of a civilized society. Without it, nothing could ever be brought to a conclusion; everything would be in a state of chaos. Only in a sparsely populated rural community is it possible to disregard it. In ordinary living there can be some tolerance of unpunctuality. The intellectual, who is working on some abstruse problem, has everything coordinated and organized for the matter in hand. He is therefore forgiven, if late for a dinner party. But people are often reproached for unpunctuality when their only fault is cutting things fine. It is hard for energetic, quick-minded people to waste time, so they are often tempted to finish a job before setting out to keep an appointment. If no accidents occur on the way, like punctured tyres, diversions of traffic, sudden descent of fog, they will be on time. They are often more industrious, useful citizens than those who are never late. The over-punctual can be as much a trial to others as the unpunctual. The guest who arrives half an hour too soon is the greatest nuisance. Some friends of my family have this irritating habit. The only thing to do was ask them to come half an hour later than the other guests. Then they arrived just when we wanted them.

اگر قرار است با قطار سفر کنید بهتر است با خیال آسوده زودتر از زمان حرکت در ایستگاه باشید تا اینکه حتی چند ثانیه دیر برسید. هر چند زود رسیدن سبب می‌شود وقت کمی از شما تلف شود، این وقت کمتر از یک ساعتی خواهد بود که در صورت دیر رسیدن باید در انتظار قطار بعدی تلف کنید؛ علاوه بر این از این ناکامی هم در امان می‌مانید که درست زمانی به ایستگاه برسید که قطار حرکت کرده و نمی‌توانید بر آن سوار شوید. از این بدتر زمانی است که خود را قبل از موقع به سکوی انتظار برسانید ولی ببینید که قطار بی آنکه شما را سوار کند راه افتاده است.

If you are catching a train, it is always better to be comfortably early than even a fraction of a minute too late. Although being early may mean wasting a little time, this will be less than if you miss the train and have to wait an hour or more for the next one; and you avoid the frustration of arriving at the very moment when the train is drawing out of the station and being unable to get on it. An even harder situation is to be on the platform in good time for a train and still to see it go off without you.

#### متن شماره ۱

#### ترجمه سید جلال باقری، دانشجوی ترم دوم زبان فرانسه

در یک جامعه متمدن، وقت شناسی عادت‌ی ضروری در تمام مناسبات اجتماعی است؛ بدون آن هیچ چیز به نتیجه نمی‌رسد و همه امور دچار هرج و مرج می‌شود. تنها در جوامع کم جمعیت روستایی است که می‌توان به این مسئله بی‌اعتنا بود. در زندگی روزمره، مواردی از وقت ناشناسی را می‌توان به دیده اغماض نگریست. به عنوان مثال محقق‌ی که روی یک مسئله پیچیده کار می‌کند، همه امور را با برنامه کارش هماهنگ و مرتب کرده است و بالطبع تأخیر چنین فردی در ضیافت شام قابل اغماض خواهد بود. اما غالباً تنها گناه کسانی که به خاطر وقت ناشناسی سرزنش می‌شوند این است که می‌خواهند هر کاری را سر وقت انجام بدهند. اتلاف وقت برای افراد فعال و تیزهوش بسیار ناخوش آیند است و به همین خاطر چنین افرادی غالباً وسوسه می‌شوند که قبل از حاضر شدن بر سر قرارشان، کاری را که در دست انجام دارند به پایان برسانند. این افراد اگر اتفاق غیر مترقبه‌ای از قبیل پنجر شدن لاستیک اتومبیل، راه‌بندان و نزول یکباره مه پیش نیاید، به موقع بر سر قرار خواهند رسید. چنین کسانی اغلب فعالتر و مفیدتر از آنانی هستند که هرگز تأخیر نمی‌کنند. افرادی که به علت وقت شناسی زیاد زودتر از موعد حاضر می‌شوند نیز به اندازه افراد وقت ناشناس مشکل آفرین هستند. مهمانی که نیم ساعت زودتر از موعد سر می‌رسد خود در دسر بزرگی است. برخی از دوستان خانوادگی من این عادت ناپسند را دارند، تنها راه چاره این بود که به آنها بگوئیم نیمساعت دیرتر از سایر مهمانها بیایند. آنوقت درست در وقت مورد نظر سر می‌رسند.

اگر قصد سفر با قطار دارید، بهتر است با خیال راحت زودتر در ایستگاه حاضر شوید تا اینکه حتی لحظه‌ای دیر کنید. اگر چه این کار ممکن است با اتلاف کمی وقت همراه باشد، اما بهتر از آن است که به قطار نرسید و ناچار شوید یک ساعت و یا حتی بیشتر برای قطار بعدی صبر کنید؛ و نیز بدین ترتیب از استیصال ناشی از رسیدن در لحظه‌ای که قطار در حال خروج از ایستگاه است و دیگر نمی‌توان سوار آن شد، اجتناب می‌کنید. از این بدتر هنگامی است که به موقع خود را به سکوی حرکت برسانید و با این حال قطار را ببینید که بدون شما در حال دور شدن است.

## متن شماره ۲

ترجمه غلامرضا رشیدی، دوستدار ترجمه، نهاوند

وقت شناسی در همهٔ امور اجتماعی یک جامعهٔ متمدن عادت‌ی واجب است. بدون رعایت وقت شناسی هیچ کاری را نمی‌توان به نتیجه رساند و بی‌نظمی همه چیز را فرامی‌گیرد. فقط در یک روستای کم جمعیت است که می‌توان وقت شناسی را ندیده گرفت. در زندگی روزمره می‌توان وقت شناسی را تا حدی تحمل کرد. فرد روشنفکری که سرگرم حل یک مسئلهٔ پیچیده است همه چیز را برای انجام کاری که در دست دارد هماهنگ کرده و سازمان می‌دهد. بنابراین اگر به مهمانی شام دیر برسد بر او عیب نمی‌گیرند. ولی مردم زمانی بخاطر وقت شناسی مورد سرزنش واقع می‌شوند که تنها تقصیرشان این است که می‌خواهند کارها را دقیقاً طبق برنامه زمان‌بندی شده انجام بدهند. کسانی که فعال و تیزهوش هستند، تلف کردن وقت برایشان سخت است، به همین دلیل اغلب وسوسه می‌شوند که قبل از رفتن بر سر قرار کاری را که در دست دارند تمام کنند. اگر در بین راه اتفاقی چون پنجر شدن لاستیک اتومبیل، تغییر مسیر ترافیک یا مه‌آلود شدن ناگهانی هوارخ ندهد به موقع سر قرار حاضر می‌شوند. این افراد اغلب از کسانی که هرگز دیر نمی‌کنند کوشا تر و مفیدتر هستند. کسانی که بیش از حد وقت شناس هستند به اندازهٔ کسانی که وقت شناس هستند برای دیگران دردسر ایجاد می‌کنند. مهمانی که نیم ساعت زودتر از وقت معین وارد می‌شود بزرگترین مزاحم برای میزبان است. بعضی از دوستان خانوادگی من دارای این عادت آزار دهنده هستند. تنها چارهٔ کار این بود که از آنها دعوت کنیم نیمساعت دیرتر از سایر میهمانان بیایند. بدین ترتیب درست وقتی می‌آمدند که می‌خواستیم.

اگر قصد دارید با قطار سفر کنید، بهتر است کمی زودتر از ساعت حرکت قطار وارد ایستگاه بشوید تا این که حتی چند ثانیه دیر کنید. گر چه زود به ایستگاه رفتن ممکن است کمی وقت شما را تلف کند اما این بهتر از آن است که به قطار نرسید و مجبور بشوید یک ساعت یا بیشتر منتظر قطار بعدی بشوید و دچار آن احساس یأس و سرخوردگی هم نمی‌شوید که ببینید درست لحظه‌ای که وارد ایستگاه شدید قطار دارد از ایستگاه خارج می‌شود و نمی‌توانید به آن برسید. از این ناگوارتر این است که به موقع برای سوار شدن به قطار روی سکو حاضر بشوید اما در عین حال ببینید که قطار رفت و شما را جا گذاشت.

## متن شماره ۳

ترجمه بهروز قهرمانی، دانشجوی رشته مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

وقت شناسی در جوامع متمدن امروزی از عادات بسیار ضروری در روابط اجتماعی بشمار می‌رود. بدون آن، هیچ کاری به نتیجه نرسیده و تمام امور دچار اختلال و آشفتگی خواهد گردید. تنها در جوامع کم جمعیت روستائی است که امکان نادیده گرفتن آن وجود دارد. در زندگی عادی، تا اندازه‌ای می‌توان بدین امر به دیده اغماض نگریست. دانشمندی را در نظر بگیرید که سرگرم کار و مطالعه بر روی مسئله پیچیده‌ایست و تمام امور خود را، بر اساس کاری که در دست انجام دارد، هماهنگ و منظم نموده است. بر چنین شخصی، بخاطر تأخیر در حضور در یک ضیافت شام، خرده نخواهند گرفت. لیکن مردم زمانی یکدیگر را بخاطر وقت ناشناسی مورد سرزنش قرار می‌دهند که تنها گناه آنان این است که انجام کارها را به آخرین لحظه ممکن موکول می‌کنند. برای اشخاص فعال و هوشمند، اتلاف وقت و از دست دادن آن، امری بسیار دشوار است. این افراد وسواس دارند که پیش از حاضر شدن بر سر قرارهایشان، کارهای خود را به پایان برسانند. چنانچه حادثه غیر مترقبه‌ای از قبیل پنجر شدن لاستیک اتومبیل، سنگینی ترافیک، و یا مه گرفتگی ناگهانی روی ندهد، این افراد بموقع بر سر وعده‌های خویش حاضر می‌گردند. آنها حتی مفیدتر و ساعی‌تر از اشخاصی هستند که هرگز تأخیر نمی‌کنند. افرادی که بیش از اندازه وقت شناس هستند را نیز می‌توان به اندازه وقت ناشناسان، اسباب دردسر و زحمت دانست. برخی از دوستان خانوادگی من به این عادت عصبانی کننده مبتلایند. تنها کاری که باید می‌کردیم این بود که از آنها دعوت کنیم که نیم ساعت دیرتر از سایر مدعوین بیایند. بدین ترتیب آنها درست در زمان دلخواه‌مان می‌آمدند.

چنانچه می‌باید با قطار سفر کنید، همواره بهتر است با آسودگی خاطر، کمی زودتر در ایستگاه حاضر باشید تا اینکه حتی کسری از ثانیه تأخیر داشته باشید. اگر چه کمی زودتر حاضر شدن، به معنی اتلاف اندکی از وقت شماست، لیکن این زمان کمتر از زمانی است که با جا ماندن از قطار، منتظر حرکت قطار بعدی می‌شوید. بدین ترتیب، شما از سرخوردگی، یعنی رسیدن در لحظه‌ای که قطار در حال حرکت است و رسیدن به آن امری غیر ممکن، آسوده‌اید. و حتی دشوارتر آنکه بموقع بر سگوی ایستگاه حاضر باشید و قطار را مشاهده نمائید که بدون شما ایستگاه را ترک می‌کند.